

بقلم : آقای مخبر همایون

## موسیقی

موسیقی در لغت تر کیب اصواتی را گویند که بگوش خوش آید و علماء موسیقی را یکی از اصول حکمت ریاضی دانسته و بدو قسم منقسم میشود:

کلاسیک و سبک :

موسیقی کلاسیک در کشور ما عبارت است از دستگاههای هفت گانه . اگر چه تعداد دستگاه در اعصار گذشته کم و زیاد شده است و در آنها تغییراتی دست داده ولی در این قرن علماء موسیقی هفت دستگاه تشخیص میدهند موسیقی سبک عهات است از تصانیف عوام پسند و رنگ برای رقص .

میل به رقص طبیعی است چنانکه ضرباتی موزون طفل ۲ ساله را برقص در میآورد ولی نباید رقص و موسیقی را لازم و ملزوم یکدیگر دانست رقص در ردیف بازیهای مطلوب بچهها و جوانان است و متدرجاً از این میل کاسته میشود در صورتی که موسیقی چون محتاج بفهم و تأثیر است متدرجاً نشوونما مینماید پس موسیقی و رقص دو اصل متمایز هستند .

در اروپا برای استفاده از هر یک محل جدا گانه وجود دارد و دوستان هر یک می دانند در چه محل رفته استفاده کنند .

تا سال ۱۹۲۰ نه در اروپا و نه در آسیا آواز خواندن با رقص متداول نبوده و فقط وحشی های آفریقا میخواندند و میرقصیدند امریکائی ها بعد از جنگ اول این رویه را از آفریقا با آمریکا برده و از آنجا با آسیا آمده انتشار یافته است .

در ایران استفاده از موسیقی در محافل خاص انجام میشد و رقص بدون آواز برای

تعیش و عروسی اختصاص داشت .

در پایتخت های اروپا عالی ترین ابنیه پرا است که بخرج ملت ساخته میشود و بموسیقی کلاسیک اختصاص دارد ولی موسیقی سبک برای رقص در قهوه خانه ها و اماکن فساد است .

موسیقی کلاسیک همه جا از تظاهرات ملی است و اپرا برای حفظ و تکمیل آنست و خوانندگان اپرا در جامعه مقام عالی دارند چنانکه خواننده اپرای روم یکی از بانوان محترم ایتالیا شناخته میشود ولی خوانندگان موسیقی سبک اگر چه بعضی از آنها شهرتی دارند ولی بطور کلی آنها از مراتب پست تر بشمار می آیند و بعضی از آنها را خواننده مسخره میشناسند .

در کشور ما سابقاً موسیقی در اماکن عمومی ممنوع بود وقتی هم آزاد شد عوام الناس به ترویج موسیقی سبک پرداختند رادیو هم که به تدوین برنامه موسیقی پرداخت این برنامه را بدخواه عوام الناس تنظیم و همان موسیقی سبک یعنی تصانیف مهمل و مبتذل را در اطراف و اکناف مملکت پراکنده کرد گوئی در تمام ساعات روز و شب همه باید گرم رقص و پایکوبی در آیند چنانچه گاهی هم با اواز هم پرداختند بسیار مختصر و بنام آواز نوائی بسیار ناقص خوانندگان این دوره را بتصور اینکه آواز ایرانی همین است آنرا میخوانند و غلط میخوانند .

غریب تر آنکه سازنده گان آوازاها را تمام و کمال مینوازند ولی خواننده از عهده همراهی با ساز بر نمی آید و پس از خواندن یک شعر بخواندن تصنیفی مناسب با رقص میپردازند و این رویه آوازه خوانان طالبین موسیقی را از شنیدن ساز هم محروم میدارد .

در اروپا در رادیوها ساعتی بعد از ظهر موسیقی کلاسیک شنیده میشود و موسیقی سبک مخصوص آخر شب است .

در تهران انواع موسیقی چنان درهم و برهم شنیده میشود که دستداران هر قسمت مغبون می مانند .

موسیقی اروپائی از عهد تمدن یونان با تغییراتی بقا یافته اما موسیقی ایرانی از چه تاریخ باوج کمال رسیده معلوم نیست ولی وقایع تاریخی مسلم میدارد که در دوره ساسانیان رونق و اعتبار کافی داشته داستان نکیسا بآورد که معاصر خسرو پرویز بوده اند مؤید این معنی است .

از دوره اسلام گرچه ظاهر آواز و آواز ممنوع گردید ولی علم موسیقی همچنان رواج داشت و خوانندگان خوش الحان در مواقع اذان و مناجات و تلاوت قرآن بالحن مختلفه نغمه سرا بودند .

از زمان صفویه روزه خوانی و تعزیه خوانی مرسوم شد و موسیقی بنحو اتم و کامل در اجرای این برنامه ها مدخلیت یافت .

در تعزیه خوانی مانند اپراهای اروپائی که هر دو شبیه خوانی هستند آوازه ها و الحان معبر احساسات هستند در موسیقی ایرانی آواز حجاز نم آور است آواز بیات ترك عجز و لابه را تشریح میکند آواز چهار گاه رشادت و شجاعت را بیان میکند در موسیقی اروپائی هم نغمات مخصوص تشریح احساسات مختلفه هستند - هر يك در موقع خود خوانده میشود پس میتوان تصدیق کرد که الحان و نغمات موسیقی هر يك محرك احساسی هستند و مؤثر هستند .

موسیقی ایرانی مطبوع طبع ملل مختلفه واقع شده از طرف شرق به هندوستان و از طرف مغرب به ترکیه و بتوسط اعراب بشمال افریقا و بتوسط مورها باسپانی رفته آنجا تر کیمی از موسیقی قدیم اسپانی و ایرانی در تمام اروپا متداول شده و بخوبی تشخیص داده میشود که این الحان موسیقی ایرانی هستند .

این نیز نا گفته نماند که چنانچه خواننده اشعار شعرای بزرگ را اختیار کند و بدان مترنم شود هنرش را جلالتی می بخشد . این راهم میدانیم که ملل مختلفه

حتماً موسیقی اختصاصی داشته‌اند ولی از بین رفته و فقط دوموسیقی در دنیای متمدن مورد پسند واقع هستند یکی موسیقی یونانی در اروپا و امریک و دیگر موسیقی ایرانی در آسیا و تا درجه‌ای در اروپا .

متأسفانه در ایران موسیقی عالمگیر خود را کنار گذاشته‌اند و در رادیو که تنها وسیله استفاده از موسیقی است آنچه شنیده میشود نه اروپائی است و نه ایرانی چند نفر که از موسیقی بهره‌ای ندارند به ترکیب اصوات نامطبووعی میپردازند يك عده اشخاص بی‌سواد عامی این الحان را برای رقص می‌پسندند .

در اروپا هم عوام بیشتر طالب موسیقی رقص هستند ولی چنانچه در اپرا نظری بیندازیم هر شب چند هزار اشخاص عالی مقام و علماء آنجا از موسیقی کلاسیک استفاده میکنند ولی در کشور ما آنچه هست عوام پسند است این اشتباه هم باید مرتفع شود . موسیقی تعیش نیست از شنیدن موسیقی کیف دست میدهد خستگی دماغ رفع میشود مانند اشعار خوب ولی عوام از این کیفیت محروم هستند .

پرونده علوم انسانی و مطالعات عربی

رفیقی که شد غایب‌ای نیک‌نام

دو چیز است از او بر رفیقان حرام

یکی آنکه مالش بباطل خورند

دگر آنکه نامش بزشتی برند

سعدی